

الگوهای رفتاری ایران و ترکیه در مسایل منطقه

علی کاظم خانلو¹

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و یکم، شماره 3، پیاپی 83، پاییز 1399؛ صفحات 106-75

تاریخ دریافت: 1399/08/25

تاریخ پذیرش نهایی: 1399/09/20

چکیده

محور مقاومت در وضعیت جدید منطقه غرب آسیا، در حوزه‌های مختلف با بحران‌ها و مسائلی ویژه مواجه شده است. در وضعیت کنونی موضوعاتی همانند جنگ داخلی یمن، وضعیت حزب‌الله در لبنان و عرصه جهانی، عادی‌سازی مناسبات میان عرب‌ها و رژیم صهیونیستی، بحران سوریه و نیز بحث الحاق کرانه باختری در اولویت مسائل درخور توجه بازیگران در محور مقاومت قرار دارد. با این حال جلب همیاری و همراه کردن قدرت‌های منطقه‌ای در مسیر راهبردهای کلان محور مقاومت نسبت به حوزه‌های بحران از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است. در این میان، ارزیابی ظرفیت‌های بازیگری که همسایه است، دارای سابقه همکاری با ایران است، دیپلماسی عمومی قوی دارد و مهم‌تر از همه توان تأثیرگذاری خوبی در معادلات منطقه دارد، برای همراهی با منافع و سیاست‌های محور مقاومت منطقی و ضروری به نظر می‌رسد. وارد شدن آنکارا به معادلات منطقه‌ای به گونه‌ای که با محور مقاومت همراهی راهبردی داشته باشد، می‌تواند در تغییر معادلات به نفع این محور تأثیرگذار باشد و موجب شکست مخالفان شود.

واژگان کلیدی

ترکیه، ایران، الگوی رقابت و همکاری، الگوی تنش و خصومت

ترکیه طی بیش از یک دهه گذشته، بر خلاف گذشته که کانون توجه سیاست خارجی خود را بیشتر بر غرب و پیوستن به اتحادیه اروپا معطوف کرده بود، به یکی از بازیگران اصلی در منطقه غرب آسیا تبدیل شده است. در اوایل هزاره جدید میلادی (۲۰۰۰) حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه به رهبری اشخاصی همچون عبدالله گل، رجب طیب اردوغان و علی باباجان در انتخابات پارلمانی موفقیتی بزرگ کسب کرد و ریاست دولت و مجلس را بر عهده گرفت. این حزب در سال‌های بعد از ۱۳۸۰ (۲۰۰۲م) به یکه‌تاز میدان سیاست‌ورزی و حکمرانی در ترکیه تبدیل شد و نقش اصلی را در مدیریت کشور بر عهده داشت.

نکته درخور توجه در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه گذار از دکترین غرب‌گرایی به دکترین نگاه به شرق بود که بانی آن احمد داود اوغلو، استاد روابط بین‌الملل و تئورسین سیاست خارجی بود. وی با پیوستن به حزب عدالت و توسعه به سرعت مدارج ترقی را طی کرد. داود اوغلو ابتدا وزیر امور خارجه و سپس نخست‌وزیر ترکیه شد. وی با طرح دکترین «عمق استراتژیک» بر این امر انگشت گذاشت که ترکیه برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی نیازمند تعامل و بازی در میدان بازیگران شرقی به ویژه منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا است. این تئوری موجب شده است آنکارا از اواسط دهه ۲۰۰۰ توجهی ویژه را به تحولات منطقه غرب آسیا معطوف کند.

هر چند قبل از این دوران نیز ترکیه حضوری محدود در منطقه داشت، اما به هیچ وجه ایفای نقش سابق قابل قیاس با سیاست خارجی جدید آنکارا با مدیریت رجب طیب اردوغان و تئوری‌پردازی احمد داود اوغلو نبود. ورود یک قدرت منطقه‌ای به معادلات سیاسی غرب آسیا که از توان نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک بالایی برخوردار است، برای سایر قدرت‌های منطقه‌ای این مسئله را ایجاد کرد که چه تعاملی باید با این بازیگر جدید داشته باشند.

در این میان، یکی از بازیگرانی که ناخواسته باید حوزه تعامل، همکاری یا شاید تقابل خود با ترکیه را در حوزه‌های مختلف بحران تعریف می‌کرد، جمهوری اسلامی ایران بود. به خصوص پس از آغاز موج بیداری اسلامی در برخی کشورهای عرب غرب آسیا و شمال آفریقا در سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۱م)، این موضوع به ضرورتی بزرگ برای استراتژیست‌ها و تصمیم‌گیرندگان حوزه سیاست خارجی در تهران تبدیل شد.

واقعیت این است که ایران و ترکیه در مقام دو قدرت بزرگ منطقه‌ای و دو همسایه که مرز



زمینی با یکدیگر دارند، طی دهه‌های گذشته تا حدودی روابط حسنه‌ای با یکدیگر داشته‌اند. اما مناسبات دو طرف را نمی‌توان تنها به دوران معاصر تقلیل داد، بلکه از زمان شکل‌گیری امپراتوری عثمانی تا کنون، همواره حکومت‌های مختلف دو کشور روابطی پرفراز و نشیب با یکدیگر داشته‌اند. با این حال در عصر جدید در منطقه غرب آسیا سطحی گسترده از بحران‌ها و مسائل وجود دارد که به نظر می‌رسد دو کشور می‌توانند در این حوزه‌ها با یکدیگر تعامل کنند یا به طور خواسته یا ناخواسته منافع و اهدافی متفاوت را پی بگیرند.

در این میان تمرکز بر مسائل موجود در حوزه محور مقاومت نشان می‌دهد که ترکیه در مقام یک قدرت منطقه‌ای می‌تواند به عنوان رقیب جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذاری ویژه‌ای داشته باشد هر چند این کشور در برخی حوزه‌ها به طور ویژه فعال بوده و نقش ایفا کرده است. اکنون در حوزه محور مقاومت مسائلی همچون بحران سوریه، جنگ یمن و ضرورت توقف جنگ در این کشور، عادی‌سازی مناسبات میان عرب‌ها و رژیم صهیونیستی، تقویت فعالیت گروه‌های وابسته به محور مقاومت در کرانه باختری و نیز جایگاه حزب الله در حکومت لبنان و پرونده امنیتی این گروه سیاسی، در سطحی کلان نیازمند رسیدگی و ورود است.

با این اوصاف، مسئله اصلی مقاله پیش رو ارزیابی و یافتن ظرفیت‌های ترکیه برای همکاری‌های امنیتی با ایران و امکان‌سنجی تسری آن به موضوع‌های منطقه‌ای مد نظر ایران است. بر این اساس به دنبال پاسخ به این سؤال خواهیم بود که «آیا امکان همکاری امنیتی منطقه‌ای میان ایران و ترکیه در پرونده‌های مربوط به محور مقاومت وجود دارد؟ این همکاری چگونه امکان عملی شدن پیدا می‌کند؟»

در مقاله حاضر ابتدا این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد که نگاه دولتمردان ترک به جنگ یمن، حزب الله لبنان، کرانه باختری و تشکیلات خودگردان، توقف عادی‌سازی روابط عرب‌ها و رژیم صهیونیستی و سوریه چگونه است؟ آیا میان تهران و آنکارا در حوزه این مسائل نقاطی مشترک از منافع و نگاه راهبردی وجود دارد؟ ایران می‌تواند از کدام ظرفیت‌های ترکیه در پرونده‌های مذکور بهره‌برداری کند؟ آیا ایران می‌تواند وارد معامله سیاسی و بده و بستان با ترکیه شود؟ آیا ایران می‌تواند از ایفای نقش بازیگران ثالث بهره‌برداری کند یا خیر؟

بررسی‌ها درباره امکان همکاری میان ایران و ترکیه و مناسبات میان دو کشور نشان می‌دهد که در این زمینه می‌توان به دو دیدگاه متعارض اشاره کرد:

براساس دیدگاه اول، امکان همکاری و ایجاد هم‌پیمانی میان ایران و ترکیه در مقام اتحاد

وجود ندارد، چون طی چند قرن گذشته دو کشور بیش از آنکه با یکدیگر همکاری و تعامل سازنده داشته باشند، درگیر جنگ و تقابل بوده‌اند. در این میان ترکیه همواره سیاستی تهاجمی نسبت به ایران داشته و لشکرکشی‌های مختلفی علیه کشورمان انجام داده است.

در ترکیه جدید، به عنوان بازمانده حکومت عثمانی‌ها، همچنان این تنش تاریخی نهادینه شده وجود دارد و دو کشور هیچ‌گاه نتوانسته‌اند همکاری فراگیری با یکدیگر داشته باشند. بر اساس این دیدگاه، اغلب همکاری‌ها میان تهران و آنکارا در حوزه انرژی و انتقال نفت و گاز بوده است، اما در حوزه‌های امنیتی و سیاست خارجی هیچ حوزه مشترکی میان دو طرف که موجب همکاری راهبردی شود، وجود ندارد. ترکیه و ایران در این حوزه رقیب یکدیگرند.

دیدگاه دوم معتقد است الزامات عصر جدید بر خلاف گذشته، سیاست خارجی را به حوزه‌ای هوشمند تبدیل کرده است که در آن نمی‌توان انتظار وجود همکاری راهبردی فراگیر میان بازیگران مختلف را داشت. به عبارتی بر خلاف دهه‌های سابق، دیگر هیچ دو کشوری نمی‌توانند در یک حوزه همکاری و تعامل فراگیر با یکدیگر داشته باشند. در عصر جدید، همه بازیگران در پی آن هستند که به صورت هوشمند از همه فرصت‌های هر چند محدود برای تعامل و همکاری با یکدیگر بهره بگیرند. در نتیجه در مقطع کنونی، ایران و ترکیه نیز می‌توانند به‌رغم نگاه مختلف نسبت به بحران‌ها و پدیده‌ها در حوزه غرب آسیا، سطحی از اشتراک دیدگاه و متعاقب آن همکاری را با یکدیگر داشته باشند.

در واقع دیدگاه دوم بر این باور است که گرچه ترکیه و ایران در موضوعات مذکور جهت مخالف هم حرکت می‌کنند، اما نباید از همکاری با ترکیه ناامید بود. اگر ایران بتواند بازی سیاسی خوبی به نمایش بگذارد و نگاه صفر و یک به موضوعات نداشته باشد و به نوعی معامله سیاسی کند، می‌تواند با ترکیه همکاری امنیتی منطقه‌ای داشته باشد. طرفداران این دیدگاه می‌گویند اگر ایران نتواند با حزب عدالت و توسعه اسلام‌گرا همکاری کند، با هیچ جریان مسلط دیگری در ترکیه نیز نمی‌تواند همکاری کند.

ادبیات نظری

روابط ایران و جمهوری ترکیه از زمان تأسیس دولت‌های مدرن در آنها از ابتدای قرن بیستم تا به امروز غالباً صلح‌آمیز بوده است. ایران و ترکیه شرکای اصلی تجاری هستند و به دلیل مجاورت جغرافیایی، روابط زبانی و قومی، تأثیر متقابل زیادی بر یکدیگر دارند. دو گروه

قومی آذری و کرد از مهم‌ترین عوامل پیونددهنده دو کشور به شمار می‌روند. البته در دوران پیش از شکل‌گیری دولت مدرن، تنش‌های دوران عثمانی و صفوی را نباید فراموش کرد که به جنگ‌های بزرگی انجامیده و موجب تغییراتی در مرزهای دو کشور شده بود.

این دو کشور همسایه ۵۶۰ کیلومتر مرز مشترک دارند. علاوه بر سفارت در تهران، ترکیه سرکنسولگری‌هایی در تبریز، ارومیه و مشهد دارد. دفاتر نمایندگی و کنسولی ایران در ترکیه نیز با داشتن سفارت در آنکارا و سرکنسولگری‌هایی در استانبول، ترابزون و ارزروم درخور توجه است.

ایران و ترکیه طی چند دهه متمادی، سطحی گسترده از روابط را در حوزه‌های مختلف به ویژه حوزه امنیتی برقرار کرده‌اند. با مطالعه تحولات اجتماعی در سال‌های حکومت رضاخان در ایران می‌توان به این نتیجه رسید که دو کشور آن دوره به توافق‌هایی دست یافته‌اند. رضاشاه در سال ۱۳۱۲ از ترکیه دیدار کرده و در نهایت پس از چند دور رایزنی به عقد پیمان امنیتی راهبردی ایران با ترکیه، افغانستان و عراق دست یافت. این پیمان در اواخر خرداد ۱۳۱۶ توسط نماینده ترکیه به نام دکتر توفیق رشدی آراس، وزیر خارجه ترکیه، دکتر ناجی الاصلیل، وزیر خارجه عراق و سردار فیض محمدخان، وزیر خارجه افغانستان، در کاخ سعدآباد بسته شد که به پیمان سعدآباد شهرت یافت. (پسیان و معتضد، ۱۳۷۷: ۴۳۵)

در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ گرچه روابط ایران و ترکیه بر پایه سیاست مشترک هم‌پیمانی با غرب و آمریکا بنا نهاده شده بود، اما فراز و فرودهایی هم در این روابط به چشم می‌خورد. برای نمونه در مورد عبور کامیون‌های ایرانی از قلمرو ترکیه نارضایتی‌هایی وجود داشت و ترکیه در زمینه ترانزیت کامیون‌های ایرانی یا هنگام ورود آنان به ترکیه مشکلات و موانعی ایجاد می‌کرد. همچنین در بعد سیاسی، محمدرضا شاه با توجه به تمایلات و گرایش پان‌ترکیسم در ترکیه، در خصوص مناطق آذری‌نشین ایران، اعتمادی به ترکیه نداشت و معتقد بود ترکیه کشوری نیست که بتوان در بحران‌ها به آن اعتماد کرد. اما به‌رغم وجود چنین نگرشی از سوی زمامداران آن عصر نسبت به ترکیه و کارشکنی‌هایی در امر تجارت با ایران، دو کشور در مقطع ۳۷ ساله گام‌هایی برای توسعه پیوندهای سیاسی، نظامی و اقتصادی برداشتند.

به دنبال انقلاب اسلامی در ایران، تصور می‌شد روابط ترکیه و ایران به علت موقعیت قوی سکولار و طرفدار غرب ترکیه دچار رکود شود، اما بر خلاف انتظار، همان‌الگوی درگیری و همکاری در روابط، همچون گذشته، ادامه پیدا کرد. در سال‌های بعد از ۱۳۵۷، مسائلی همچون تهدید مشترک کردها و نوع مواجهه با گروهک پک‌ک، مسئله هسته‌ای ایران، مواجهه متفاوت



با انقلاب‌های عربی در سال‌های بعد از ۲۰۱۱ (۱۳۸۹) و تنش در سیاست‌ورزی نسبت به سوریه پس از ۲۰۱۱، مهم‌ترین محورهای تعامل و تقابل دو طرف با یکدیگر بوده‌اند.

در مجموع دو کشور روابطی گسترده در حوزه‌های مختلف دارند که صرفاً به موضوعات اقتصادی ختم نمی‌شود. با این حال، در سال‌های اخیر به علت بحران در سوریه، یمن، لیبی و عراق، موضوعات امنیتی و کارکرد بیشتری در روابط دو کشور یافته است. در این میان موضوع کردها از دیرپاترین حوزه‌های امنیتی در روابط ترکیه و ایران بوده است.

کردها همچنین عامل شکل‌دهی به روابط ترکیه با کشورهای همسایه بوده‌اند و نحوه تعامل رهبران کشورها با این مسئله بر نوع پیوندهای آنکارا با آن کشورها اثر داشته است. برای مثال در دهه ۱۳۷۰، دولت بلنت اجویت با مسئله کردها مواجه شد و با اعزام نیروهای نظامی به مرز سوریه خواستار تحویل دادن عبدالله اوجالان، رهبر حزب کارگران کردستان، ترکیه شد. امتناع سوریه از تحویل دادن وی، دو کشور را در آستانه درگیری نظامی قرار داد. در این مقطع دولت ایران با میانجی‌گری میان طرفین نقش مهمی در کاستن از تنش داشت. البته ترکیه در نهایت با کمک آمریکا اوجالان را دستگیر کرد.

به طور کلی در خصوص حوزه‌های پیونددهنده دو کشور باید گفت روابط دوجانبه ترکیه و ایران بر اساس اصول عدم مداخله در امور داخلی، احترام متقابل و حسن هم‌جواری، همواره در حال پیشرفت است و به فراخور تحولات سال‌های اخیر نیز دارای روندهای پرفراز و نشیب، اما همواره در حال توسعه بوده است. از مسیر مراودات سیاسی و دیپلماتیک متقابل و سازکارهایی مانند شورای عالی همکاری‌ها و کمیسیون‌های مشترک در بخش‌های مختلف، دو طرف تلاش کرده‌اند با گشودن باب‌های گفت‌وگوی سیاسی درباره موضوعات دوجانبه و منطقه‌ای، روابط خود را بهبود بخشند و گسترش دهند.

رویکرد ترکیه به جنگ یمن

در سال‌های آغاز بحران یمن، دولت ترکیه به هیچ وجه رغبتی به همکاری با انصارالله یمن نداشت. حتی اوایل سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۵م) دولت ترکیه سیدعبدالملک بدرالدین، عبدالله یحیی الحکیم و عبدالخالق حوثی، سه تن از رهبران انصارالله، را در لیست تحریم خود قرار داد و اعلام کرد: «اموال این افراد در بانک یا خزانه مصادره شده است.» با این اوصاف، بعد از آغاز حملات متجاوزانه ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی به یمن تا حدودی

شاهد تغییر نگرش ترکیه نسبت به تحولات یمن بوده ایم.

ترکیه همراه قطر از ابتدای جنگ داخلی یمن در سال ۱۳۹۳، حمایت کامل خود را از دولت هادی و همچنین ائتلاف عربستان برای جنگ یمن، اعلام کردند. اما با تشدید تنش‌ها میان عربستان و قطر از یک سو و میان ترکیه و امارات از سوی دیگر، اکنون صحنه روابط و تنش‌ها در یمن تغییراتی کرده است و به نظر می‌رسد ترکیه و قطر با هدف ضربه زدن به عربستان (به نفع قطر) و ضربه زدن به امارات (به نفع ترکیه) در حال کمک‌رسانی به نیروهای اخوانی و نیز تا حدود کمی حوثی‌ها هستند تا عرصه موازنه جنگی در این کشور را علیه امارات و عربستان تغییر دهند.

ترکیه تا به امروز نقش، دخالت یا حضور مستقیمی که مستند باشد در این جنگ نداشته است. موضع ترکیه در این جنگ هم چندان مورد توجه رسانه‌ها و تحلیلگران قرار نگرفته است. با این حال، این موازنه به سرعت در حال تغییر است. گویا سیاست‌های اعلامی ترکیه در مورد بحران یمن با واقعیت اعمالی سیاست این کشور، متفاوت است. ناگفته نماند این تغییر به مواضع فعلی اردوغان در محور منازعات امنیتی منطقه‌ای با عربستان و امارات ارتباط دارد؛ به این معنا که افزایش تنش میان ترکیه و عربستان و ورود امارات به تنش مستقیم با ترک‌ها در کنار یونان و حضور در رزمایش نظامی یونان و فرانسه که نمایش قدرت آشکار علیه ترکیه بوده است، زمینه‌ساز نقش‌آفرینی بیشتر اردوغان و روشن شدن چراغ سبزی برای فعال شدن او در بحران یمن با هدف تنبیه و مقابله با عربستان و امارات شده است. ترکیه این اقدام را به دوروش انجام داده است:

نخست، اسنادی جود دارد که قطر برای فشار به عربستان از انصارالله حمایت محدود تسلیحاتی کرده است. در این اسناد گرچه اشاره‌ای به نقش ترکیه به شکل مستقیم نشده است، اما به نظر می‌رسد قطر در پیوند اطلاعاتی مستقیم با سازمان‌های اطلاعاتی ترکیه در حال پیگیری این پشتیبانی‌هاست. برخلاف ترکیه که این اقدامات را غالباً با هدف ضربه به امارات انجام می‌دهد، قطر به شکل مستقیم و در همکاری با ترکیه، این اقدامات را انجام می‌دهد. با این حال نمی‌توان منکر نقش متفاوت ترکیه در این بحران شد که برخلاف رویکرد این کشور در سال ۲۰۱۵ تا ابتدای ۲۰۲۰ بوده است.

دوم، ترکیه با همکاری قطر در تلاش است با جذب نیروهای حزب الاصلاح نزدیک به اخوان‌المسلمین در یمن و تطمیع آنها، به انشقاق در صفوف نیروهای هادی منصور که به

عربستان و امارات نزدیک است، پردازند و زمینه را برای تغییر عرصه نبرد علیه این دو کشور عربی فراهم کنند. در این میان نیروهای اخوانی نزدیک به صالح الجبوانی مورد حمایت کامل تسلیحاتی و آموزشی و نیز مالی قطر قرار گرفته‌اند. ترکیه نیز به شدت از آنها در خفا حمایت می‌کند. در مجموع حمایت از محور اخوانی در این نبرد و جنگ فرسایشی تنها قطعه‌ای دیگر از پازل همکاری ترکیه‌ای - قطری در این زمینه است که در حال حاضر برجسته‌تر شده است.

قطر و ترکیه به دنبال موفقیت و تحکیم مواضع انصارالله در یمن نیستند. اگر سیاستی به نفع انصارالله را پی بگیرند، در راستای منافع این گروه یا محور مقاومت به رهبری ایران قلمداد نمی‌کنند و صرفاً آن را در خدمت به ایدئولوژی اخوان و مقابله با محور ضد اخوانی عربستان، مصر و امارات تفسیر می‌کنند.

همچنین توجه به این مسئله ضروری است که انصارالله با ترکیه ارتباط‌های بسیار برقرار کرد تا واسطه ارتباطش با حزب اصلاح یمن شود و به اصطلاح میان انصارالله و حزب اصلاح میانجی‌گری کند؛ اما ترکیه این کار را نکرد. اخوان یمن به ترکیه نزدیک‌تر است تا به عربستان، اما ترکیه در زمان حملات عربستان به این دلیل که قدرت نداشت یا مصالح اقتضا نمی‌کرد یا باید با عربستان همکاری می‌کرد، حزب اصلاح را به عربستان واگذار کرد. (ترک‌بیلماز، ۱۳۹۹)

رویکرد ترکیه به حزب الله

مقامات دولت ترکیه به ندرت درباره حزب الله لبنان سخن می‌گویند و بیشتر در این زمینه سکوت می‌کنند. «بکر بوزداغ تنها مقام حزب عدالت و توسعه است که تا کنون با صراحت و به تندی علیه حزب الله لبنان موضع‌گیری کرده است. او در سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۳م) در شرایطی که هم به عنوان معاون نخست‌وزیر و هم به عنوان معاون رهبر حزب، از قدرت فراوانی برخوردار بود، در یک کنفرانس دینی، حزب الله لبنان را به علت حمایت از بشار اسد با لحن و الفاظی توهین‌آمیز مورد خطاب قرار داد و صفت موهن «حزب الشیطان» را به کار برد.» (خبرگزاری تسنیم، ۱۹ مرداد ۱۳۹۹)

حزب الله پیش از بحران سوریه، بازیگری مهم و درخور توجه برای ترکیه نبود. ترکیه با شروع بحران در سوریه و نمایش قدرت حزب الله در قالب جبهه مقاومت، به خصوص با پیروزی‌های آن در مقابل گروه‌های معارض و تروریست طرفدار آنکارا در ادلب، به اهمیت این گروه پی برد. ترکیه هرگونه ارتباط با حزب الله یا تش و درگیری با آن را از منظر پیوندهای خود با ایران، به ویژه

در بحران سوریه، بررسی می‌کند، زیرا ترک‌ها حزب‌الله لبنان را بازوی ایران در منطقه می‌دانند. امروز تنفر مردم ترکیه از آمریکا و رژیم صهیونیستی کمتر از مردم ایران نیست؛ به همین دلیل در سطح جامعه ترکیه - حتی میان اهل سنت، آنهایی که انقلابی هستند - سید حسن نصرالله را سمبل مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی می‌دانند. این نگاه جامعه ترکیه برای جمهوری اسلامی برگ برنده است که مردم، چه اهل سنت، چه علوی یا شیعه، ضد رژیم صهیونیستی هستند. ضد رژیم صهیونیستی بودن به معنی طرفدار حزب‌الله بودن نیز هست؛ اما زمامداران ترکیه چنین نگاهی ندارند و فقط از این موضوع بهره‌برداری سیاسی می‌کنند. دست‌کم در ۱۰ سال اخیر احزاب ترکیه، چه راست یا چپ، هرگاه خواستند در رأی مردم تأثیرگذار باشند، از قدس حمایت کرده‌اند. هنگامی که پایتخت از تل‌آویو به قدس انتقال پیدا کرد، همه احزاب رقیب و مخالف دولت حاکم ترکیه با این کار مخالفت کردند. (راشد، ۱۳۹۹)

ترکیه نیز مانند بسیاری از کشورهای دشمن، حضور حزب‌الله را در سوریه و لبنان برخلاف منافع و آمال خود می‌داند؛ زیرا مانعی در مسیر حمایت‌های ترکیه از اخوانی‌های سوری و لبنانی است. گزارش‌های زیادی از درگیری میان نیروهای نزدیک به ترکیه و حزب‌الله در اطراف ادلب در سال‌های اخیر وجود داشته است. در این تنش‌ها حدود ۵۰ سرباز ترک اغلب در نبرد با حزب‌الله یا نیروهای تحت حمایت حزب‌الله کشته شده‌اند. همین عامل موجب پیچیدگی رویکرد ترکیه به حزب‌الله شده است. اما آشکار است که ترکیه در مهم‌ترین بحران منطقه‌ای (سوریه) تمایلی به پیوند و ارتباط با حزب‌الله ندارد و درصدد مقابله با آن و عقب‌راندنش از ادلب است.

ترکیه حاضر نیست علاوه بر حزب‌الله، با ایران به عنوان حامی اصلی این گروه نیز در سوریه درگیر شود؛ اما روی گیلاد، از تحلیلگران حوزه امنیتی، معتقد است که اهمیت ادلب برای ترکیه و نیز چشم طمع حزب‌الله به آن می‌تواند باعث ایجاد تنش میان آنها شود؛ زیرا ترکیه به خوبی از اهمیت سوریه برای ایران آگاه است و می‌داند که قادر به تغییر موازنه نبرد علیه محور اسد، ایران، روسیه و حزب‌الله نیست؛ بنابراین ناچار است دیپلماسی را بر جنگ ترجیح دهد.

دولت و رسانه‌های طرفدار دولت ترکیه به مردم این کشور القا می‌کنند که حزب‌الله، دستان جمهوری اسلامی ایران است. آنجا که دولتمداران ترکیه می‌دانند باید با جمهوری اسلامی ایران پنجه در پنجه شوند، حزب‌الله را اهرمی قوی در کنار جمهوری اسلامی می‌بینند. سید حسن نصرالله و تیم ایشان از این موضوع آگاه هستند که برای تأثیرگذاری

بیشتر باید ضمن دفاع از مواضع و حقانیت جمهوری اسلامی، نیم‌نگاهی هم به ترکیه داشته باشند. به همین دلیل سید حسن نصرالله در کودتای ۲۵ تیر ۱۳۹۵/۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ مخالف فروپاشی حزب عدالت و توسعه بود. حزب عدالت و توسعه و مردم هم این موضوع را می‌دانند. (راشد، ۱۳۹۹)

براساس اختلاف منافع ترکیه و حزب‌الله در سوریه، برخی معتقدند که این عضو محور ترکیه با حفظ و توسعه ارتباطات با رژیم صهیونیستی برای برقراری موازنه با جبهه مقاومت است؛ به این صورت که ترکیه با وجود تنش‌های عمیق در حوزه‌های مختلف با رژیم صهیونیستی، روابط اطلاعاتی و امنیتی خود با آن را علیه نیروهای حزب‌الله یا نیروهای نزدیک به ایران حفظ کرده است. کما اینکه برخی دیگر معتقدند که احتمال دارد ترکیه در موازنه با رژیم صهیونیستی که در حال عادی‌سازی روابط با اعراب است، به حزب‌الله به عنوان نیرویی موازنه‌دهنده توجه خواهد کرد.

در این میان برخی کارشناسان معتقدند ترک‌ها به برقراری رابطه‌ای مستقیم با حزب‌الله علاقه‌مند هستند و فراهم شدن این امکان برای آنها با ارزش است. اما تا زمانی که دستورالعملی دقیق در این زمینه تدوین نشود، نقشه راه روشنی وجود نداشته باشد، ابعاد آن توسط حزب‌الله شناسایی و کارشناسی نشود، مسیر ورودی این رابطه و نتایج مورد انتظار آن تبیین نشود، برقراری این ارتباط ممکن است موجب خسران و خسارت شود. (فیروزآبادی، ۱۳۹۹) بر همین اساس، ابتدا باید این سؤال را از خود پرسید که برقراری رابطه ترکیه با حزب‌الله چه منفعتی خواهد داشت؟

به طور کلی، گرچه مقامات دولت ترکیه به اظهارنظرهای مستقیم و شفاف درباره حزب‌الله نمی‌پردازند و از آن سخن نمی‌گویند، اما ارتباط نداشتن میان این دو گویای مواضع متفاوت آنها با یکدیگر است. ترکیه حزب‌الله لبنان را نه تنها در سوریه، بلکه در خود لبنان نیز مانع منافع و اهداف خود می‌بیند.

ترکیه و عادی‌سازی روابط عرب‌ها و رژیم صهیونیستی

از نگاه ترکیه، رژیم صهیونیستی باید به مرزهای مورد توافق سازمان ملل ملزم شود. اردوغان معتقد است: «حل و فصل این مسئله تنها در صورت تشکیل هرچه سریع‌تر یک دولت فلسطینی در داخل مرزهای سال ۱۹۶۷ به پایتختی قدس شرقی امکان‌پذیر خواهد بود.»

(خبرگزاری آنا تولی، ۲۰۱۹/۹/۲۴) بر همین اساس، تا زمانی که رژیم صهیونیستی به مرزهای مورد توافق سازمان ملل بازنگردد، عادی سازی روابط کشورهای اسلامی با آن مورد نکوهش ترکیه است. با اینکه دولت حاکم ترکیه روابط سیاسی با رژیم اشغالگر قدس ندارد، اما شاهد روابط اقتصادی و امنیتی میان این دو بازیگر هستیم که نشان دهنده رویکرد عملگرایانه ترکیه در قبال عادی سازی روابط عرب ها با رژیم صهیونیستی است.

ترک ها پشت پرده از صهیونیست ها می خواهند که این کشور را درک کنند. در جلسات به لابی های صهیونیست می گویند مردم می خواهند ما هم مانند ایران باشیم. برخی فکر می کنند که صحبت های اردوغان علیه رژیم صهیونیستی واقعی است. ... اردوغان نمی تواند مانند ایران موضع واقعی بگیرد. اگر مانند ایران موضع گیری کند، باید با ناتو قطع رابطه کند؛ باید تحریم شود؛ ... رژیم صهیونیستی در دانه غربی هاست.

رژیم صهیونیستی هرگز از تلاش برای ایجاد روابط مخفی (که غالباً با بیشتر کشورهای عربی برقرار کرده است) و روابط علنی (مصر، اردن و اینک امارات متحده عربی) برای دگردیسی در مناسبات سیاسی - امنیتی منطقه دست نخواهد کشید. این بازی با هدف انشقاق در جهان اسلام و تغییر در موضع ضد صهیونیستی کشورهای منطقه به موضع ضد ایرانی و ضد ترکیه ای از سوی تل آویو پیگیری می شود.

با این حال ترکیه در تلاش است به رهبری معنوی در جهان اسلام تبدیل شود تا منبع اصلی شکل گیری الگوی نوین نظم امنیتی در مجموعه امنیتی منطقه ای خاورمیانه باشد. در این پازل نوین، ترکیه با به دست گرفتن اهرم مقابله لفظی (نه واقعی) با اشغالگری دولت صهیونیستی می خواهد این گونه نمایش دهد که با اعلام عادی سازی روابط میان دولت های عربی و رژیم صهیونیستی مخالف است. ترکیه پس از برقراری رابطه رسمی میان امارات و اسرائیل در اواسط آگوست ۲۰۲۰ (مرداد ۱۳۹۹)، اردوغان امارات را به پیش گرفتن رفتاری ریاکارانه برای برهم زدن نظم منطقه ای خاورمیانه به نفع رژیم صهیونیستی متهم و اعلام کرد که در حال بررسی طرح قطع روابط دیپلماتیک میان آنکارا و ابوظبی است. اردوغان به صراحت می گوید: «تاریخ و وجدان مردم منطقه رفتار ریاکارانه را فراموش نمی کنند و هرگز نمی بخشند.»

با این حال، در مورد پیوند میان رژیم صهیونیستی و عرب ها، ترکیه از یک سو به نفع لفاظی های خود برای نفوذ میان جوامع عربی و اسلامی به ضرر حکومت های عرب منطقه، به خصوص کشورهای حوزه خلیج فارس بهره برداری می کند و از سوی دیگر، از این روابط

برای ضربه زدن به مصر استفاده می‌برد. ترکیه برای مقابله با ژنرال سیسی که او را از دشمنان اصلی ترکیه در جهان اسلام می‌داند، از اهرم روابط عرب‌ها با تل‌آویو بهره می‌گیرد تا مصر، اردن و امارات را در یک محور و عامل اصلی خیانت به جهان اسلام و آرمان فلسطین معرفی کند. از سوی دیگر در پی کنترل رفتار عربستان و بحرین در ایجاد روابط با رژیم صهیونیستی و در نتیجه اعمال فشار علیه آنهاست.

رویکرد ترکیه به کرانه باختری و فعالیت تشکیلات خودگردان

دیدگاه ترکیه درباره فلسطین، قدس، گروه‌های فلسطینی و مبارزه با رژیم صهیونیستی روی چند اصل استوار است. ترکیه می‌خواهد فشار از روی فلسطینی‌ها برداشته شود، قدس پایتخت نشود، رژیم صهیونیستی طبق قطعنامه سازمان ملل به مرزهای ۱۹۶۷ برگردد، دو کشور تشکیل شوند و به صورت مسالمت‌آمیز زندگی کنند. ... ترکیه براساس این دیدگاه با رژیم صهیونیستی همکاری‌های امنیتی، اقتصادی و تجاری، فرهنگی و علمی دارد. ترکیه طرفدار راه‌حل دو دولت - دو کشور است تا رژیم اشغالگر، فلسطینی‌ها را به رسمیت بشناسد؛ قسمتی از قدس در دست صهیونیست‌ها باشد و قسمتی هم به عنوان پایتخت فلسطین باشد و محاصره هم برداشته شود. (Butler, 14 August 2020)

پس از جنگ استقلال رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، پیمان صلح موقت ۱۹۴۹ میان رژیم تازه‌تأسیس صهیونیستی و مصر، اردن، سوریه و لبنان به امضا رسید که بنابر مفاد آن، مرزهای رژیم صهیونیستی و فلسطین مشخص شد و کرانه باختری در کنترل اردن قرار گرفت. موضوع کرانه باختری همواره یکی از حوزه‌های چالش مهم میان تل‌آویو و حامیان آن با فلسطین و کشورهای مسلمان بوده است. مواضع ترکیه درباره کرانه باختری و فعالیت‌های تشکیلات خودگردان فلسطین به ظاهر بر مبنای حمایت از هر دو آنهاست. اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، همواره اعلام می‌کند کرانه باختری متعلق به فلسطینی‌هاست؛ به خصوص پس از آنکه نتانیاهاو اعلام کرده بود اگر در انتخابات پیروز شود، این منطقه را به اشغال درخواهد آورد و به مناطق رژیم صهیونیستی ملحق خواهد کرد. (Reuters, 8 Priril 2019)

علاوه بر این، ترکیه روابط مستقلی را با تشکیلات خودگردان فلسطین که در سال ۱۳۷۵ در چارچوب توافق‌نامه‌های اسلو ۱ (۱۹۹۳) و ۲ (۱۹۹۵) تأسیس شد، شکل داده است. ترکیه از تلاش‌های دولت فلسطین برای شناخته شدن به عنوان یک کشور در مجامع

بین‌المللی حمایت می‌کند. در این زمینه ترکیه فعالانه از دولت فلسطین در تلاش برای عضویت در یونسکو در سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۱م) حمایت کرد. علاوه بر این، ارتقای وضعیت فلسطین به «یک کشور ناظر غیرعضو» در سازمان ملل در ۹ آذر ۱۳۹۱ با حمایت قاطع اعضای سازمان ملل متحد، از جمله ترکیه، نقطه عطفی در به رسمیت شناختن فلسطین به عنوان یک کشور بوده است.

ترکیه در موضوع کرانه باختری و نیز مسئله روابط با تشکیلات خودگردان فلسطینی، بیش از آنکه مدافع آرمان‌های فلسطینیان باشد، در پی بهره‌برداری سیاسی از مسئله فلسطین به نفع آمال سیاسی خود در جهان اسلام است. ترکیه از هرگونه مانور سیاسی به منظور بزرگ‌نمایی تهدید تل‌آویو، تحقیر کشورهای عربی نزدیک به این رژیم و نفوذ در جهان عرب بهره می‌گیرد. در نتیجه، موضوع کرانه باختری به عنوان حق فلسطینی‌ها در سیاست‌های اعلامی ترکیه بیان می‌شود، اما در عمل ترکیه مواضع عملی و خاصی در برخورد با رژیم صهیونیستی در این زمینه نداشته است. همچنین تقویت نیروهای اخوانی در این منطقه، بخشی دیگر از اهداف آرمانی ترکیه در پیوند با موضوع فلسطین است.

به طور کلی، ترکیه مخالف جنگ و درگیری میان فلسطین و رژیم صهیونیستی است. ترکیه جزء اولین کشورهایی بوده که رژیم اشغالگر را به رسمیت شناخته و هنوز هم از آن صرف نظر نکرده است. کسی که رژیم صهیونیستی را به رسمیت بشناسد، جنگ علیه این رژیم را نمی‌پذیرد و از چنین جنگی حمایت نمی‌کند. ترکیه منافع خود را در این می‌بیند که هم کشوری یهودی در آنجا باشد، هم فلسطینی‌ها در آنجا باشند. (ترک بیلماز، ۱۳۹۹) معنایی که از این دیدگاه ترکیه به دست می‌آید مخالفت اردوغان با فعال شدن تشکیلات خودگردان فلسطین علیه رژیم صهیونیستی به سبک و روش گروه‌های مقاومت است.

رویکرد ترکیه به سوریه

حکومت ترکیه پس از ناآرامی‌های داخلی در سوریه، زبان به انتقاد از بشار اسد گشود. رجب طیب اردوغان در سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۵م) در مورد جنگ سوریه گفته بود که برای مردم سوریه پذیرش دیکتاتوری که رهبر کشتار بیش از ۳۵۰ هزار نفر بوده، غیرممکن است. ترکیه از کشورهای مهم حامی مخالفان سوری و میزبان حدود ۳ میلیون آواره این کشور است. ترکیه و عربستان در سال ۱۳۹۴، سوریه را به مداخله نظامی تهدید کرده بودند. انگیزه ترکیه



روشن بود چون به شدت نگران افزایش قدرت کردها در شمال شرقی سوریه بود. پس از بحران در سوریه، ترکیه همواره تلاش کرده است با تقویت موضع نیروهای تحت حمایت خود، بستر را برای نفوذ بیشتر در سوریه فراهم آورد. ترکیه بخش‌هایی از خاک سوریه نزدیک مرزهای خود را تحت کنترل خود درآورده است. همچنین عفرین از مناطق کردنشین سوریه، به کنترل نیروهای رادیکال نزدیک به ترکیه درآمده است.

در مجموع سیاست ترکیه در قبال سوریه دو روند هم‌راستا را نشان می‌دهد. ابتدا این کشور حذف بشار اسد و قدرت‌گیری مخالفان نزدیک به خود را در اولویت قرار داده بود، اما به تدریج با تقویت جایگاه بشار در سوریه، نزدیکی ترکیه به روسیه و ایران و شکست مخالفان بشار اسد و نیز قدرت‌گیری کردها، این رویکرد تعدیل یافت. در واقع، ترکیه در رویکرد تعدیل‌یافته خود درصدد است از طریق فعالیت‌های دیپلماتیک، سیاسی و حتی نظامی تضمین لازم را برای اعطای سهمی از قدرت به مخالفان و مشارکت همه گروه‌های سیاسی (تا حدودی بدون کردهای نزدیک به پکک و با حضور کردهای شورای ملی کرد) در ساختار سیاسی سوریه فراهم آورد و در عین حال به مبارزه با نیروهای سوریه دموکراتیک و کردهای نزدیک به پکک ادامه دهد و آنها را تضعیف و منزوی کند.

جایگاه ویژه لیبی و شرق مدیترانه برای آنکارا

یکی دیگر از حوزه‌هایی که در چند سال اخیر به شدت توجه دستگاه سیاست خارجی ترکیه را جلب کرده، لیبی و حوزه شرق مدیترانه است. حزب عدالت و توسعه با بازگشت به اصول نوعثمانی‌گرایی در پی آن است که در شمال آفریقا جایگاهی ویژه کسب کند؛ اما باید توجه کرد اساس مسیر سیاست‌گذاری و کنش ترکیه در لیبی و شرق مدیترانه چندان آسان به نظر نمی‌رسد.

از یک سو، این روزها لیبی به دو دولت تقسیم شده است: یکی، به نام «دولت وفاق ملی» به ریاست «فایز السراج» در بخش غربی لیبی با مرکزیت طرابلس که تحت حمایت سازمان ملل اداره می‌شود و دیگری، ارتش ملی لیبی، به رهبری خلیفه حفتر با مرکزیت «بنغازی» که تصرف پایتخت و تسلط کامل بر کشور را دنبال می‌کند. از سوی دیگر، کشورهای حوزه مدیترانه با همراهی اروپا و آمریکا، به شدت مخالف حضور ترکیه در مدیترانه به منظور بهره‌برداری از منابع انرژی به ویژه ذخایز گاز هستند.

در آبان ۱۳۹۸، فتحی باش آقا، وزیر کشور دولت وفاق ملی لیبی مستقر در طرابلس، از

امضای توافق نامه امنیتی بین دولت مطبوعش و دولت ترکیه خبر داد. باش آقا در بیانیه‌ای مطبوعاتی توضیح داد که هدف از این توافق نامه مبارزه با تروریسم و مهاجرت غیرقانونی است. علاوه بر این، همه جوانب امنیتی را که دولت وفاق برای آزادی کامل مناطق تحت کنترل نیروهای ژنرال خلیفه حفتر نیاز دارد، پوشش می‌دهد. پس از امضای این توافق نامه، اردوغان اعلام کرد که دولت وفاق لیبی از ترکیه درخواست کمک نظامی کرده و او طرح ارسال نیرو به لیبی را برای بررسی و تصویب به پارلمان ترکیه فرستاده است. اعزام نیروی نظامی بخشی از توافق نامه جامع همکاری نظامی و امنیتی امضا شده بین دو طرف است. در همین راستا در دی ۱۳۹۸ پارلمان ترکیه با ۳۲۵ رأی موافق و ۱۸۴ رأی مخالف، با طرح رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، برای ارسال نیروهای نظامی به لیبی موافقت کرد. هدف اردوغان از ارسال نیرو، پشتیبانی نظامی از حکومت وفاق به رهبری فایز السراج و اخوان المسلمین مستقر در طرابلس، پایتخت لیبی است که در مقابل نیروهای ژنرال حفتر می‌جنگند. ژنرال حفتر از طرف مصر، امارات متحده عربی، اردن و روسیه پشتیبانی می‌شود و مناطق وسیعی از شرق لیبی به خصوص هلال مهم نفتی سرت - جفرارا در کنترل خود دارد. (<https://www.bbc.com/persian/world-features>)

توافق نامه ترکیه و دولت وفاق لیبی، غیر از جنبه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی، شامل ترسیم مرزهای آبی بین دو کشور نیز می‌شود که یکی از اهداف مهم ترکیه در لیبی است. دولت ترکیه سعی دارد با دور زدن یونان یک مرزی آبی برای خود در شرق مدیترانه ایجاد کند تا بتواند از ذخیره‌های عظیم نفت و گازی این منطقه سهمی به دست آورد. ترکیه سالانه ۴۰ میلیارد دلار برای خرید گاز طبیعی هزینه می‌کند. در حال حاضر سه کشتی اکتشاف و حفاری یاوروز، فاتح و خیرالدین بربروس در سواحل قبرس شمالی مشغول انجام عملیات اکتشاف نفت و گاز هستند. دولت بخش یونانی قبرس ضمن اعتراض به این اقدام ترکیه، آن را تجاوز به حق حاکمیت خود دانست. در همین حال ترکیه برای حفاظت از کشتی‌های حفاری خود در سواحل قبرس چند پهپاد را به بخش ترکی قبرس ارسال کرد. در حالی که روزنامه آلمانی «بیلد» در ماه ژوئیه گذشته به نقل از منابع مطلع خبر داد که آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، از وقوع یک جنگ تمام عیار بین ترکیه و یونان نزدیک جزیره یونانی کاستلوریزو که در مجاورت سواحل ترکیه واقع است، جلوگیری کرده است. این حادثه بعد از اقدامات ترکیه برای اجرای عملیات اکتشاف نفت و گاز در اطراف سواحل جزیره کاستلوریزو اتفاق افتاد. دولت یونان می‌گوید که این سواحل حریم آبی



یونان هستند و ترکیه حق اجرای عملیات اکتشافی در این منطقه را ندارد. بیشتر نیز دولت یونان ضمن انتقاد از توافق نامه ترسیم مرزهای آبی بین ترکیه و لیبی، آن را غیر مشروع خواند.

(<https://www.bbc.com/persian/world-features>)

یکی دیگر از اهداف ترکیه در لیبی، تأمین، گسترش و تحکیم نفوذ خود در شمال و شرق آفریقا هم‌زمان با کاهش نسبی نفوذش در سودان، به دنبال برکناری رژیم عمر البشیر، و افزایش نفوذ محور سعودی- اماراتی در صحنه سیاسی جدید سودان است. از سوی دیگر، ترکیه امیدوار است وجود لیبی در شمال آفریقا موجب گسترش نفوذش در کشورهای هم‌جوار لیبی به خصوص مراکش، الجزایر و تونس شود. ترکیه همچنین معتقد است که افزایش نفوذش در لیبی باعث فشار بر رقبای منطقه‌ای اش و روسیه خواهد شد و در نتیجه وضعیت نظامی اش را در عراق و سوریه مستحکم خواهد کرد.

الگوهای رفتاری در روابط ایران و ترکیه

در همکاری‌های امنیتی ایران و ترکیه عوامل زیادی تأثیرگذارند که عبارت‌اند از: رقابت منطقه‌ای، رقابت در جهان اسلام، روابط اقتصادی، تحریم‌های آمریکا علیه ایران و مسئله کردها که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۱. رقابت منطقه‌ای: ایران و ترکیه در کنار عربستان از قدرت‌های مهم خاورمیانه هستند. براساس این نوشتار که بر مؤلفه‌های غالباً امنیتی تمرکز دارد، ایران و ترکیه خود را گاه در مقام همکاری به شکل محدود و غالباً در موقعیت رقابت می‌بینند. این دو بازیگر علاوه بر مؤلفه‌های سنتی قدرت مانند جمعیت، سرزمین، اقتصاد و قدرت نظامی، دارای حوزه‌های نوین قدرت نرم مانند دیپلماسی فرهنگی و ایدئولوژی هستند. همین عوامل، با توجه به بحران‌های امنیتی مختلف این منطقه، زمینه‌ساز رقابت میان این دو کشور است. در بخش‌های بعدی به برخی از این رقابت‌ها پرداخته می‌شود.

از ابتدای دهه ۲۰۱۰ به این سو و با آغاز تحولات انقلابی منطقه از سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۱)، اصطکاک‌هایی میان ایران و ترکیه در سوریه و عراق رخ نمود. تهران سیاست ترکیه در مورد سوریه را عمدتاً محصول جاه‌طلبی نوع‌ثمانی آنکارا برای کسب نفوذ و تقویت سنی‌های طرفدار ترکیه در سرزمین‌های تحت سلطه ترکیه در دوران عثمانی‌ها تفسیر می‌کند. یک مقام امنیت ملی ایران گفته بود: «آنچه در سوریه [پس از سال ۲۰۱۱ تغییر کرد] نه



ماهیت دولت بود و نه روابط ایران با آن، بلکه جاه‌طلبی‌های ترکیه بود.» علاوه بر این، ایران آنکارا را مقصر می‌داند که نه تنها مانع گروه‌های سلفی که از خاک ترکیه به سوریه می‌روند، نمی‌شود بلکه آنها را از نظر لجستیکی و مالی پشتیبانی می‌کند.

۲. روابط اقتصادی و تأثیر تحریم‌ها: طی چند دهه گذشته روابط اقتصادی ایران و ترکیه روندی افزایشی داشت و به ویژه در سال‌های بعد از ۲۰۰۰ سرعت گرفت. حجم تجارت ایران و ترکیه از ۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۸ (۲۰۰۰) به ۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۵) افزایش یافت. ترکیه سالانه حدود ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز از ایران وارد می‌کرد که حدود ۳۰ درصد از نیاز داخلی این کشور را تأمین می‌کرد. قرار بود ترکیه ۱۲ میلیارد دلار در توسعه فازهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴ میدان گازی پارس جنوبی سرمایه‌گذاری کند که این اتفاق رخ نداد. تجارت دوجانبه ایران و ترکیه در سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰م) به ۱۰ میلیارد دلار رسیده بود و هر دو دولت اعلام کرده بودند که این رقم باید در آینده نه چندان دور به رقم ۲۰ میلیارد دلار برسد. معاون اول وقت رئیس‌جمهور ایران، محمدرضا رحیمی، در مهر ۱۳۹۱ (اکتبر ۲۰۱۲) اعلام کرده بود که سرعت مبادلات تجاری بین ایران و ترکیه افزایش یافته و نزدیک به رسیدن به هدف ۳۰ میلیارد دلار در سال است.

روند افزایش سطح همکاری‌های اقتصادی میان ایران و ترکیه، به ویژه بعد از آغاز مذاکرات هسته‌ای میان ایران و کشورهای ۵+۱، سرعت بیشتری یافت و دو کشور به این توافق رسیدند که حجم تجارت دوجانبه را به حدود ۱۰ میلیارد دلار در سال برسانند. حتی این روابط می‌رفت به پیوندی راهبردی و سودآور برای دو طرف بدل شود و قرار بود به سطح ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار برسد. با این حال کمپین فشار حداکثری ایالات متحده علیه ایران که متشکل از تحریم‌های اقتصادی و تلاش‌های سیاسی برای انزوای جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بود، آسیب‌های فاجعه‌باری بر حجم مناسبات میان ترکیه و ایران وارد کرد.

تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران در اواخر سال ۲۰۱۸ (۱۳۹۷ش) باعث شد حجم تجارت دوجانبه ترکیه و ایران از حدود ۱۰/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۵ (۲۰۱۷) به ۵/۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۷ (۲۰۱۹م) برسد و کاهشی ۵۰ درصدی داشته باشد. بر اساس گزارش اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، صادرات ایران به ترکیه تا سه ماهه سوم ۲۰۱۸ درخور توجه بود، اما در سه ماهه‌های بعدی و طی سال ۲۰۱۹

(۱۳۹۷ش)، صادرات آن به طور مداوم در حال کاهش است. این کاهش را می‌توان با تصمیم ترکیه در مورد کاهش واردات نفت خام و فرآورده‌های نفتی از ایران پس از تمدید نشدن معافیت‌های ویژه این کشور از تحریم‌های ایالات متحده، مرتبط دانست. با اینکه ترکیه مخالف تحریم ایران بوده، اما منافع سرشاری از این تحریم‌ها کسب کرده است. بسیاری از شهروندان ایرانی در بخش املاک و مستغلات ترکیه در سال ۲۰۱۹ سرمایه‌گذاری کردند. ایرانیان دومین ملیت پس از عراقی‌ها بودند که ۵۴۳۲ واحد املاک خریداری کردند. شهروندان ایرانی اولین کسانی بودند که سال گذشته ۹۷۸ شرکت در ترکیه راه‌اندازی کردند.

ناگفته نماند در زمان تحریم، ترکیه یکی از بهترین کشورهای است که ایران می‌تواند با آن رابطه اقتصادی برقرار کرده و از فشار تحریم‌ها بکاهد. اهمیت ترکیه در این زمینه به حدی است که برخی معتقدند «در تحریم جز به ترکیه نمی‌توانیم استناد کنیم، زیرا ژئوپلیتیک بقیه کشورهای همسایه اجازه برقراری چنین رابطه‌ای را نمی‌دهد.» (دولت‌آبادی، ۱۳۹۹)

روندهای تجاری و تراز روابط تجاری ترکیه با ایران از ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷

	1397	1396	1395	1394	
صادرات	2/31	2/40	3/25	4/96	
واردات	3/29	6/90	7/50	4/70	
ارزش	5/60	9/30	10/76	9/70	
تراز	-0/98	-4/54	-4/24	0/30	

چنان‌که از جدول فوق بر می‌آید، روابط تجاری ترکیه با ایران به تدریج تحت تأثیر مستقیم تحریم‌ها قرار گرفته و به سمت طراز تجاری منفی نیل کرده است. هرچند ترکیه همواره بیشترین واردات انرژی از ایران را داشته، اما با روندهای آتی، به خصوص تحولات نوین که از کاهش شدید این صادرات خبر می‌دهد، اکنون دو کشور در پایین‌ترین سطح تجارت خارجی خود قرار دارند.

در مجموع می‌توان اظهار داشت در عصر جدید، سیاست و امنیت از مقوله اقتصادی و همکاری‌های فنی و تجاری تفکیک‌پذیر نیستند. اینکه دو کشور در سطح منطقه‌ای یا بین‌المللی از نظر امنیتی با تنش‌های فزاینده‌ای مواجه باشند، اما از نظر اقتصادی سطحی



گسترده از مناسبات را داشته باشند، پدیده‌ای محال می‌نماید. واقعیت امر این است که حجم مناسبات اقتصادی و تجاری گسترده میان دو کشور بر مناسبت امنیتی میان آنها نیز تأثیرگذار خواهد بود؛ چنان که افزایش سطح همکاری‌های اقتصادی میان ایران و ترکیه، به ویژه طی دو دهه گذشته، بر مناسبات امنیتی دو کشور تأثیر ایجابی بر جای گذاشته است. طی سالیان اخیر شاهدیم که در حوزه امنیت مرزها، دو طرف اقدامات مثبتی در زمینه مقابله با تروریسم انجام داده‌اند. هر چند در سال‌های بعد از ۲۰۱۱ ایران و ترکیه در پرونده تحولات منطقه، به ویژه در عرصه بحران سوریه، اختلاف موضع ملموسی داشته‌اند، اما به دلیل گرایش دو طرف به افزایش مناسبات اقتصادی، سیاسیون تهران و آنکارا همواره تلاش کرده‌اند در قالب مذاکراتی همچون آستانه و نشست‌های سه‌جانبه سران ایران، ترکیه و روسیه سطحی از همکاری و هماهنگی را داشته باشند.

رقابت و همکاری در پرونده کردها

موضوع کردها به دلایل زیر از مسائل مهم میان ایران و ترکیه است: ترکیه و ایران از تهدیدهای ناشی از مواجهه با گروه‌های شبه‌نظامی کرد در اقلیم کردستان عراق احساس خطر می‌کنند. دوم، کردها گاه منافع راهبردی امنیتی، اقتصادی و نیز سیاسی ترکیه و ایران را (مانند کنترل کرکوک از سوی کردها تا سال ۲۰۱۷) تهدید می‌کنند

اگرچه ایران با حزب کارگران کردستان ترکیه رابطه‌ای ندارد، اما آن را تروریست هم نمی‌داند. هم‌اکنون نیروهای حشد الشعبی با گروهی از کردهای مناطق ایزدی‌نشین عراق که به پ‌ک‌ک نزدیکند، سنجار را به طور مشترک کنترل می‌کنند. ترکیه این مسئله را تهدیدی علیه خود می‌داند. در عین حال، ترکیه و ایران از تمایل کردهای عراق به استقلال و برگزاری فراندوم در سال ۱۳۹۵ (۲۰۱۷م)، احساس خطر و تلاش کردند با برقراری پیوند اطلاعاتی - امنیتی میان فرماندهان نظامی خود، مانع تجزیه عراق شوند.

نقش کردها در پیوند میان ترکیه و ایران به تدریج پررنگ‌تر می‌شود، به خصوص با جلب شدن توجه جهانی به مسئله کرد در سال‌های اخیر، برجسته شدن نقش کردها در سوریه و حمایت آمریکا از آنها، نه تنها منافع ترکیه را با خطر مواجه کردند بلکه به تهدیدی علیه حکومت اسد بدل شده‌اند. در عین حال، تمایل کردها در اقلیم برای گسترش نفوذ خود، که به همکاری ایران و ترکیه علیه آنها در سال ۱۳۹۵ (۲۰۱۷م) انجامید، می‌تواند بسترساز

پیوندهای میان دو طرف برای مواجهه با کردها باشد.

رویکرد ترکیه و ایران در سطح منطقه‌ای را می‌توان در هفت محور مهم بیان کرد.

۱. اولین سطح در تحلیل وضعیت کنونی مناسبات امنیتی میان ایران و ترکیه را می‌توان در نگاه متفاوت اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، نسبت به حوزه رهبری مذهبی در جهان اسلام مورد ارزیابی قرار داد. واقعیت امر این است که اردوغان در مقام یک رهبر سیاسی در مسلک فکری اخوان‌المسلمینی، طی سال‌های گذشته بارها از واژه «امپراتوری شیعه و پارسی» به عنوان تهدید برای منطقه یاد کرده است. در همین راستا «ترکیه و اردوغان دست‌کم از ۲۰۱۴ که داعش را ایجاد کردند، نسبت به جمهوری اسلامی ایران به طور قطع به جمع‌بندی رسیدند. آنها پروژه داعش را کلید زدند تا به جمهوری اسلامی ایران ضربه بزنند. نگاهی که اردوغان و تیم او به ما دارند، با درجات خلوص کم و زیاد، این است که جمهوری اسلامی ایران کشوری مذهب‌گراست و در پرونده‌های مهم منطقه‌ای مانند عراق و سوریه در مقابل ترکیه ایستاده است و اگر فرصتی پیدا کند، در هر منطقه‌ای علیه منافع ترکیه اقدام خواهد کرد، مگر اینکه مصالحش اقتضا کند که با ترکیه همکاری کند». (بیگدلی، ۱۳۹۹: ۱۸)

۲. در سطحی دیگر، سیاست خارجی در ترکیه، برخلاف ایران، به شدت همگراست. یکی از آخرین مصوبات شورای عالی امنیت ملی ترکیه این است که هیچ‌کس حق ندارد درباره تولیدات نظامی مصاحبه کند یا کسی حق ندارد درباره پهپادها صحبت کند. مصاحبه نظامی‌ها را ممنوع کرده‌اند. با کانالیزه کردن، عناصر قدرت را خنثی کردند. ترکیه به شدت عملگراست و اجازه نمی‌دهد کارد به استخوان برسد. ترکیه در سیاست خارجی، چه خوب یا چه بد، با روش‌های مختلف، کار خود را پیش می‌برد؛ در حالی که ممکن است ما به لحاظ غرور سیاسی یا از نظر منطقی آن را نپذیریم. عملگرایی منطق سیاست خارجی در ترکیه است و کار به لحظه آخر نسپردن و تغییر جهت دادن‌های ملموس را به کار می‌گیرد. به همین علت اردوغان فردی متدین، بی‌دین، خوب، بد، اسلام‌گرا، پان‌ترکیست، محافظه‌کار و رادیکال است. همه این ویژگی‌ها را دارد، زیرا به جامعه‌ای متکی است که همه چیز در آن جامعه است. رنگی می‌گیرد که جامعه به آن فشار می‌آورد. اگر لازم باشد در جایی محافظه‌کار می‌شود. نمونه آن توییت‌هایی است که درباره فضای مجازی منتشر می‌کرد. این ماهیت حزب عدالت و توسعه است. اگر لازم باشد در جایی کردها را سرکوب می‌کند تا جریان پان‌ترکیسم را با خود همراه کند. هم‌زمان با همه این اتفاق‌ها کارهایی می‌کند که به

نفع اسلام‌گراهاست. (سعادت‌نژاد، ۱۳۹۹: ۲۵)

۳. یکی دیگر از مسائل مهم در خوانش وضعیت کنونی سیاست خارجی دولت ترکیه را می‌توان در ماهیت به اصطلاح «تاکتیک‌محور» یا «ظاهر‌محور» و نه «ماهیت‌محور بودن» سیاست خارجی این کشور مورد بررسی قرار داد. در واقع «مشکل بزرگ ترک‌ها این است که با ماهیت سیاست خارجی آشنایی چندانی ندارند. آنها تنها به شکل تحولات نظام بین‌الملل توجه و از آن بهره‌برداری می‌کنند، نه ماهیت و محتوای آن؛ به همین دلیل نظام سیاست خارجی ترکیه مدام در حال تغییر و جابه‌جایی است. برخی این تغییر و جابه‌جایی را از هوشمندی یا از قابلیت عملگرایانه بودن سیاست خارجی ترکیه می‌دانند، در حالی که این مسئله به ماهیت برنمی‌گردد، بلکه ناشی از عدم شناخت است. ترک‌ها در همه تحولات غالباً زمانی که عجله می‌کنند در تله گیر می‌افتند و از ماهیت اتفاقات پشت پرده بی‌بهره می‌مانند. این ضعف، فرصتی برای ایران است تا از آن در راستای هدایت ترکیه استفاده کند... ترکیه یکی از کشورهای مهمی است که بسیار به ایران شک دارد و دیر به آن اعتماد می‌کند. در عین حال نقاط آسیب‌پذیر امنیت ملی ترکیه، خواسته یا ناخواسته، به رفتار ایران گره خورده است. چون نقاط تهدید امنیت ملی را شبانه‌روز رصد می‌کنند، خیلی زود به رفتارهای ایران در این منطقه پی می‌برند. هر جایی که ترک‌ها خواسته‌اند از ابزارهای خود استفاده کنند، شکست‌های سنگینی متحمل شده‌اند. (دولت‌آبادی، ۱۳۹۹: ۲۶)

۴. واقعیت دیگر در برهه کنونی را می‌توان در ارتباط با کنشگری بسیار فعال سیاست خارجی ترکیه در زمینه‌های مختلف ارزیابی کرد. برای مثال در لیبی حرکتی کرده و توانسته است حداقلی از جامعه جهانی را با خود همراه کند. در شمال عراق علیه پ‌ک‌ک عمل می‌کند بدون اینکه حاکمیت مرکزی عراق و بارزانی توان پاسخگویی داشته باشند. در شمال سوریه، در مناطقعفرین و اعزاز رسم‌الخط خود را اشاعه می‌دهد و کلاس برگزار می‌کند. در حوزه انرژی خود در دریای مدیترانه شرقی هم فعال است و چشم‌انداز مثبت اقتصادی دارد. امروز همه کشورها درگیر کرونا شده‌اند و اقتصاد همه کشورها زمین خورده است. با اینکه ترکیه هم تحت تأثیر کرونا بوده، اما اردوغان در تلاش است چشم‌انداز مثبت اقتصادی را به مردم خود نشان دهد. اردوغان با اقداماتی که انجام داد، دست برتر را نسبت به ایران دارد. (بازدار، ۱۳۹۹: ۸)

۵. در مقطع کنونی توجه به این مسئله ضروری است که دو نفر، دو گروه یا دو کشور

زمانی با هم همکاری می‌کنند که یا به یکدیگر نیاز دارند، یا دشمن مشترک دارند، یا در راستای اهدافی متعالی می‌خواهند همکاری کنند. آیا میان ترکیه و ایران چنین انگیزه‌هایی وجود دارد؟ ترکیه کشور بیست سال پیش نیست و دیگر در جهت سیاست اصلی «صلح در داخل، صلح در جهان» که آتاتورک آن را پی‌ریزی کرده بود، حرکت نمی‌کند و از آن فاصله گرفته است. با روی کار آمدن اردوغان و تحولات منطقه، سیاست‌های ترکیه تغییر کرده است. از نظر ایدئولوژیک، مذهبی‌ها با لائیک‌های ارتدوکس یا لائیک‌های ژاکوپین تفاوت‌هایی دارند. لائیک‌های ارتدوکس بسیار غرب‌گرا بودند، ارزش‌ها و معیارهای غرب را مد نظر داشتند و خود را به همراهی با غرب محکوم می‌دانستند؛ اما لائیک‌های مذهبی می‌گویند می‌توانیم با غرب باشیم و روابط تجاری، نظامی، اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی برقرار کنیم، اما نباید محکوم به تمدن غرب باشیم. این مسئله در ترکیه سابقه دارد و این‌گونه نیست که از ۱۳۸۳ (۲۰۰۲م) شروع شده باشد. در واقع ترکیه با فشار مردم در حال حرکت به این سو بود. آنها با حفظ نظام لائیک، به مرور زمان هر جا که فرصت یافتند، سعی کردند از غرب فاصله بگیرند؛ البته نه آن فاصله عقیدتی و اصولی، بلکه فاصله منفعتی و پراگماتیستی. هم خواستند مردم را راضی نگه دارند، هم با منطقه ارتباط برقرار کنند، هم به همکاری‌های خود با غربی‌ها ادامه دهند، هم به اتحادیه اروپا وارد شوند، هم با ناتو بمانند، هم به روابط اقتصادی خود با آمریکا و غرب ادامه دهند و هم با جهان اسلام ارتباط داشته باشند. یک ایدئولوژی پشت دولت اردوغان یا حزب آک‌پارتی قرار دارد. آنها هر زمان فرصت پیدا کردند یا کمی قدرت به دست آوردند در مقابل غرب ایستادند؛ اما این ایستادگی اساسی نیست، بلکه منفعتی و بر اساس منافع است. ترکیه دیگر و موضع‌گیری‌های انفعالی ندارد و حتی در برخی اوقات تهاجمی است. هم با ایران همکاری می‌کند، هم به آمریکا و غرب پایگاه‌های نظامی می‌دهد، هم در مقابل جهان اسلام عضو ناتو است، هم ادعای اسلام‌گرایی و حتی رهبری جهان اسلام یا دست‌کم اهل تسنن را دارد. این خواسته‌ها در ظاهر متناقض و متضاد است، اما از دید ترک‌ها منطقی است. (ترک ییلماز، ۱۳۹۹: ۱۶)

۶. در تحلیل وضعیت موجود می‌توان به این نکته اشاره کرد که نیاز ترکیه به ایران دیگر مانند سابق نیست. روابط تجاری ایران و ترکیه بسیار کاهش یافته است. دیگر از ۲۵ میلیارد دلار حجم مبادلات تجاری حرفی زده نمی‌شود، بلکه حجم مبادلات به حدود ۵ میلیارد دلار کاهش یافته است. با توجه به کرونا و درگیری‌های منطقه‌ای و تحریم‌های اعمال‌شده



علیه ایران، دیگر از کشورمان نفت نمی‌خرد. اگر ایران پول نداشته باشد، متقابلاً از ترکیه خریدی نخواهد کرد. ایران تا حدودی جلوی قاچاق کالا از ترکیه را گرفته است. با این وضعیتی که برای ایران پیش آمده منابع ارزی کشور کم شده است و ایرانی‌ها کمتر می‌توانند از ترکیه خرید کنند و وابستگی ترکیه به ایران کمتر می‌شود. (همان)

۷. در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران در چند حوزه نگاهی ویژه به ترکیه دارد: نخست، ایران با توجه به تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا، به هیچ وجه قصد ندارد مناسبات اقتصادی و به ویژه صادرات گاز ایران به ترکیه قطع شود. در حقیقت، در حوزه صادرات و مبادلات تجاری، ایران امیدوار است که ترکیه همچنان به مناسبات خود با کشورمان ادامه دهد.

دوم، ایران بیش از آنکه ترکیه را در نقش یک دشمن یا رقیب راهبردی بزرگ ارزیابی کند، بیشتر به همکاری و حتی ایجاد اشتراکات راهبردی در حوزه سیاست خارجی با آنکارا رغبت دارد. با این حال، ترکیه رویکرد سیاست خارجی ایران را تهاجمی می‌داند؛ از این رو هنوز حاضر نشده است جایگاه و قدرت راهبردی ایران در سطح منطقه را به رسمیت بشناسد. در مقابل ایران به آسانی حاضر است در حوزه‌ها و کانون‌های مختلف بحران در منطقه، منافع و نقش ویژه ترکیه را به رسمیت بشناسد و حتی وارد همکاری و تعامل گسترده با این کشور شود.

سوم، در وضعیت جاری، ایران در منطقه غرب آسیا توان زیادی در حوزه نفوذ فرهنگی و دیپلماسی نرم دارد. گروه‌های نیابتی تحت حمایت ایران در کشورهای عراق، سوریه، لبنان و فلسطین اشغالی واقعیت میدانی هستند که از چشم ناظران سیاسی و استراتژیست‌های سیاست خارجی ترکیه مغفول نمانده‌اند. بر خلاف ایران، سیاست خارجی ترکیه در منطقه تا کنون بیشتر از طریق مداخله نظامی مستقیم پیش رفته است؛ با این حال ترک‌ها طی چند سال اخیر درصدد برآمدند تا گروه‌های نیابتی منطقه‌ای هم برای خود ایجاد کنند. نماد بارز این امر را می‌توان در گروه‌های تروریستی تحت‌الحمايه ترکیه در سوریه مشاهده کرد که از آنها به عنوان ابزاری در لیبی نیز بهره می‌گیرد. اما باید به این نکته توجه کرد که نفوذ ترکیه، بر پایه نفوذ نرم و دیپلماسی فرهنگی نیست، بلکه بیشتر در قالب نوعی همکاری واقع‌گرایانه مبتنی بر منطق برد و باخت است که در آینده نه چندان دور می‌تواند با فروپاشی مواجه شود.

اتحاد امنیتی در تقابل با جبهه عربی-عبری

بعد از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در کاخ سفید، ایجاد بلوک اتحاد عربی-عبری یعنی همکاری امنیتی، سیاسی و نظامی کشورهای عرب با رژیم صهیونیستی در دستور کار قرار گرفت. هر چند هیچ‌گاه به صورت رسمی و علنی از چنین اتحادی رونمایی نشد، اما واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد این اتحاد شکل گرفته است و نماد بارز آن عادی‌سازی روابط امارات متحد عربی و بحرین با تل‌آویو در مرداد و شهریور ۱۳۹۹ بوده است.

اساس این سناریو بر این مبناست که اکنون ائتلاف عربی - عبری نه تنها برای ایران، بلکه برای آنکارا نیز یک رقیب و دشمن به شمار می‌آید و همین امر در آینده نزدیک ممکن است موجب همکاری فزاینده و حتی اتحاد امنیتی راهبردی میان ایران و ترکیه شود. عربستان و امارات در مقام دو رقیب اصلی ترکیه در منطقه هستند و تهران نیز همین مشکل را با این کشورها دارد؛ در نتیجه بر اساس این سناریو، دو طرف باید در برابر این بازیگران ایستادگی کنند. با این حال محوریت این سناریو، اخص‌تر از سناریوی بده‌بستان است که به عنوان اولین سناریو طرح شد. در این سناریو نیز قاعده بده‌بستان وجود دارد، اما مسئله این است که بنیان همکاری بر مبنای اتحاد مشترک در برابر جبهه عربی قابل تعریف است.

در سال ۱۳۹۵ که برای اولین بار زمزمه‌های ایجاد ناتوی عربی و ائتلاف عربی - عبری مطرح شد، تصور غالب این بود که ایران کانون اصلی و یگانه هدف این اتحاد است. اما با گذشت زمان، شرایط به‌گونه‌ای رقم خورد که اکنون ترکیه را نیز دربرگرفته است. عربستان، امارات و مصر در سطحی گسترده با هر گونه افزایش نفوذ اخوان‌المسلمین در غرب آسیا و شمال آفریقا مخالف هستند؛ در حالی که اردوغان مروج اصلی تفکر اخوانی در سیاست و حکمرانی منطقه است.

اردوغان در مقطع کنونی از دولت اخوانی یا شبه‌اخوانی قطر و لیبی به شدت حمایت می‌کند در حالی که محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، و محمد بن زاید، ولیعهد امارات، به شدت مخالف این دو حکومت هستند و به نوعی اکنون رقابت و دشمنی‌ای بزرگ میان طرفین ایجاد شده است. در سطحی دیگر، رژیم صهیونیستی نیز به دلیل کنش‌های ترکیه در دریای مدیترانه و مواضع آنکارا نسبت به معامله قرن، الحاق کرانه باختری و نیز انتقال پایتخت به بیت‌المقدس، به شدت با آنکارا دچار اختلاف شده است. در نتیجه با همراهی مصر، عربستان و امارات اکنون در برابر ترکیه قرار گرفته‌اند. در مجموع از نگاه این

سناریو، به علت دلایل مطرح‌شده، ترکیه و ایران در مقطع کنونی این ظرفیت را دارند که با یکدیگر علیه ائتلاف عبری-عبری وارد نوعی شراکت شوند.

راهکار و راهبرد بلندمدت: ۲۰-۱۰ سال آینده

بدون تردید در ترسیم چشم‌انداز مطلوب برای سیاست خارجی هر بازیگری، مهم‌ترین سناریو در سطح بلندمدت است. طرح سناریوی بلندمدت، برنامه‌ریزی راهبردی برای سیاست خارجی یک کشور است تا در آینده مسیر منافع و خواسته‌های خود را مدیریت کند. در همین راستا، در سطح بلندمدت به نظر می‌رسد ایران باید سه راهبرد اساسی را پیش بگیرد که عبارت‌اند از: امنیتی کردن تهدیدهای مشترک، ایجاد حوزه‌های مشترک همکاری امنیتی و درهم‌تنیدگی اقتصادی در مسیر جدایی‌ناپذیری.

در مرحله ابتدایی استراتژیست‌های جمهوری اسلامی ایران نیاز دارند بحران‌ها و حوزه‌های حساس برای ترکیه را در مسیر امنیتی کردن و معرفی به عنوان تهدید مشترک ارائه کنند. در این زمینه امنیتی کردن به معنای خروج پدیده‌ها از حوزه «سیاست عادی» یا «سیاست‌های عمومی» و وارد کردن آنها به حوزه امنیتی است. برای ثبت امنیتی کردن یک عمل، نیازی به ارزیابی تهدیدهای عینی که واقعا ابژه‌ای را به خطر انداخته‌اند، نیست، بلکه لازم است درک درستی از روندها داشته باشیم تا به وسیله آنها بتوانیم به برداشتی مشترک از آنچه می‌تواند تهدید قلمداد شود و واکنش دسته‌جمعی را برانگیزد، دست یابیم. فرایند امنیتی کردن، کنشی گفتاری است. در این میان آنچه اهمیت دارد این است که گفتار به‌کارگرفته‌شده خود در حکم واقعیت و عمل اجرایی شود.

چنان‌که ویور و بری بوزان^۱ در مکتب کپنهاگ امنیت منطقه‌ای تعریف می‌کنند، فرایند امنیتی کردن سه مرحله اساسی دارد که ضروری است در مناسبات راهبردی ایران و ترکیه مورد توجه قرار گیرد: ۱. شناسایی تهدیدهای اساسی؛ ۲. اقدام اضطراری و فوری؛ ۳. ایجاد تأثیر بر روابط بین‌واحد بناشده با نقض قوانین. امنیتی کردن نیازمند درک تهدید اصلی، توانایی و قدرت معلق کردن قوانین وضع‌شده برای پاسخ به تهدیدها، توانایی متقاعد کردن دیگران از احساس خطر و نیاز به نقض قوانین برای بقاست.

در این سطح ضروری است استراتژیست‌های سیاست خارجی کشور با پیش‌گرفتن

برنامه‌ریزی و راهبردی منطقی و منسجم، به وزارت خارجه ترکیه و شخص رجب طیب اردوغان نشان دهند که حوزه‌های تهدید مشترکی برای جمهوری اسلامی ایران و ترکیه وجود دارد. در ادامه ضروری است رغبت و گرایش مثبت ایران به آنکارا نشان داده شود که حاضر به همکاری با این کشور در زمینه مقابله و رفع این تهدیدهاست. در مجموع باید به ترکیه و حاکمان سیاسی این کشور القا شود که ممکن است بقا و امنیت ملی دو کشور در بلندمدت تهدید شود. در نتیجه ضروری است همکاری دائم در حوزه امنیت میان طرفین برقرار شود. در ادامه این رویکرد، در سطح بلندمدت باید توجه کرد همکاری امنیتی و اتحاد راهبردی امنیتی نه تنها میان ایران و ترکیه، حتی میان دو متحد در دوران جنگ نیز ممکن نیست.

بنابراین امنیتی کردن حوزه‌های تهدید به هیچ وجه بدین معنا نیست که ایران و ترکیه در همه حوزه‌ها و بحران‌ها با یکدیگر اشتراک موضع داشته باشند، بلکه مسئله این است که باید حوزه‌های مشترک امنیتی را میان دو طرف «برساخت» یا به عبارت بهتر، تعریف کرد.

برای نمونه، تقریباً یک سال بعد از اشغال عراق توسط آمریکا در ۱۳۸۱ (۲۰۰۳م)، کشورهای همسایه عراق یعنی ایران، عربستان، کویت، اردن، سوریه، مصر و ترکیه جلساتی برگزار کردند. یک امیدواری برای آغاز همکاری جدید در منطقه ایجاد شده بود. آمریکا مخالف برگزاری این جلسات بود؛ از این رو کشورهایی که تحت فشار آمریکا بودند، کارشنکی کردند. ترکیه در جلسه‌ای که قرار بود در این کشور برگزار شود، از آمریکا، سازمان ملل و اتحادیه اروپا نیز دعوت کرد؛ در حالی که از ابتدا قرار بود فقط همسایگان عراق در این جلسات حضور یابند و در کنار مسئله عراق، فعالیت‌ها و همکاری‌های خود را تحکیم کنند. با این حال ترکیه احساس می‌کرد که نباید در مقابل غرب کاری انجام دهد.

همچنین در وضعیتی که حکومت اقلیم کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی طی سال ۲۰۱۷ در پی برگزاری همه‌پرسی استقلال بود، این حوزه مشترک از تهدید امنیتی میان دو کشور تعریف شد. هر چند طی دهه‌های گذشته همواره مسئله‌ای همانند مسئله کردها، دو کشور ایران و ترکیه را در موضعی مشترک در حوزه امنیت قرار داده، اما ضروری است این حوزه‌ها در بلندمدت گسترش پیدا کنند. برای نمونه مسئله فلسطین یا حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا موضوعاتی هستند که می‌توانند از سوی استراتژیست‌های سیاست خارجی دو کشور ایران و ترکیه مجدداً بازتعریف شوند. این مسائل در نوع خود متعلق به زمان بلندمدت هستند و در قالب هماهنگی‌های راهبردی بازتعریف می‌شوند.



همچنین در سطح بلندمدت باید توجه کرد که امروز در کنار امنیت و سیاست، مؤلفه اقتصادی می‌تواند عاملی برای همکاری و اشتراک موضع کشورها با یکدیگر در ابعاد مختلف باشد. دو یا چند کشور ممکن است در حوزه‌های امنیت و سیاست خارجی به شدت رویکرد متمایز با یکدیگر داشته باشند، اما همکاری‌ها و درهم‌تنیدگی اقتصادی میان آنها ممکن است زمینه‌ساز همکاری مشترک در سطح امنیتی باشد.

توجه به این مسئله ضروری است که سیاستمداران ترک همواره نگاهی اقتصادمحور به سیاست خارجی داشته و حتی با وجود بروز تنش‌های عمیق سیاسی، همواره منفعت اقتصادی را به عنوان عاملی برای تداوم مناسبات مورد تأکید قرار داده‌اند. نماد بارز این امر را می‌توان در مناسبات میان ترکیه و رژیم صهیونیستی در اواخر دهه ۲۰۰۰ مورد ارزیابی قرار داد که با وجود وقوع بحران «مرمره» و حمله این رژیم به کشتی حامل کمک‌های انسان‌دوستانه ترکیه به غزه، درهم‌تنیدگی اقتصادی آنکارا و تل‌آویو به سرعت مناسبات دو طرف را به سمت کاهش تنش سوق داد.

در همین زمینه توجه به این مسئله ضروری است که استراتژیست‌های اقتصادی ایران باید در همکاری تجاری و فنی با ترکیه حوزه‌هایی راهبردی تعریف کنند که به نوعی برای آنکارا مکمل بودن و ضرورت وابستگی اقتصادی دو کشور به یکدیگر را تداعی کند. همچنین باید به سمت عقد قراردادهای اقتصادی بلندمدت با ترکیه رفت، زیرا ترک قراردادهای بلندمدت برای ترکیه سخت خواهد بود. (دولت‌آبادی، ۱۳۹۹: ۲۷)

واقعیت این است که در این حوزه، ایران رقبای سرسختی همانند آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و چین را پیش رو دارد که همگی به همکاری اقتصادی و ورود به تعامل تجاری راهبردی با این کشور رغبت دارند. در وضعیت کنونی نیز که ترکیه در مسیر استقلال انرژی از جمهوری اسلامی ایران گام برمی‌دارد، ضروری است برنامه‌ریزی‌هایی برای حوزه‌های جدید همکاری اقتصادی میان تهران و آنکارا انجام گیرد. ناگفته نماند این مسئله در وضعیت بعد از پایان کرونا باید به شدت مورد توجه مقامات سیاسی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.

در مجموع، چشم‌انداز مطلوب برای ایران در بلندمدت را می‌توان ایجاد حوزه‌های همکاری امنیتی مشترک میان دو کشور در سطحی راهبردی و کلان ارزیابی کرد تا موجب تعامل مشترک در باب مسائل امنیتی منطقه شود. رسیدن به این نقطه از همکاری میان ترکیه و ایران بسیار دشوار است، اما نباید این دشواری را بهانه قرار داد و در این مسیر گام

برنداشت. تعریف حوزه‌های مشترک تهدید میان طرفین از نظر گفتاری و ذهنی، در بلندمدت می‌تواند از یک سو، تقویت مناسبات سیاسی دو طرف و از سوی دیگر، حتی در مقاطع خاص، همکاری مشترک عملیاتی در میدان را همراه داشته باشد.

راهکار و راهبرد میان‌مدت: ۵-۱۰ ساله

در سطح میان‌مدت توجه به واقعیت‌های قدرت میدانی ترکیه در منطقه و نوع تعامل این کشور با کشورهای غربی ضروری به نظر می‌رسد. در حقیقت برای برنامه‌ریزی میان‌مدت ۵ تا ۱۰ ساله با ترکیه، باید دانست این کشور از نظر تعامل با متحدان راهبردی خود طی دهه‌های گذشته چه وضعیتی داشته و از نظر تأثیرگذاری بر معادلات منطقه غرب آسیا نیز این کشورها در چه جایگاهی هستند.

نکته مهم در مقطع کنونی این است که آمریکا و غرب نمی‌خواهند ترکیه را از دست بدهند. ترکیه هنوز هم در اردوگاه غرب و تحت تأثیر سیاسی، نظامی، فرهنگی و... غرب است. به‌رغم موضع‌گیری‌های متفاوتی که ترکیه دارد، غربی‌ها امیدوارند که این کشور را به شرایط قبل برگردانند؛ از این رو با برگزاری انتخاباتی در داخل ترکیه یا ایجاد تحولاتی در منطقه و گرفتار کردن ترکیه در آن، به دنبال انتقام هستند. هرچند آنها به راحتی نمی‌توانند انحراف‌های اردوغان را تحمل کنند، اما چاره‌ای ندارند زیرا اردوغان دست آنها را خوانده است و ضعف‌های آنها را می‌داند. ایران یکی از حربه‌های همیشگی در دست اردوغان است. دروازه‌های ایران نیز برای همیشه به روی ترکیه باز است. هر چه ترکیه از غرب فاصله بگیرد، به نفع ایران است. (همان)

باید توجه کرد در مقطع کنونی، ترکیه همواره به دنبال اثبات این نکته است که روابط تنگاتنگی با ایران ندارد؛ به همین دلیل رابطه با جمهوری اسلامی را تنها در محور اقتصادی پیش می‌برد نه در محور ایدئولوژیک و مسائل دیگر. ترکیه به خوبی می‌داند رابطه با ایران، جز در محور اقتصادی، برای این کشور هزینه خواهد داشت. بررسی هزینه - فایده در سیاست خارجی ترکیه بسیار مهم است.

با توجه به این سه مسئله، راهبرد میان‌مدت مطلوب برای جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در سه سطح مطرح کرد: اول، ایران با لابی‌گری در رسانه‌های ترکی و حتی ورود به مذاکره مستقیم با سیاستمداران ترک می‌تواند زمینه انفصال و گرایش به جدایی جامعه ترکیه

از غرب را تقویت کند. هر چند لزوماً جدایی ترکیه از اروپا و آمریکا به معنای نزدیک شدن به جمهوری اسلامی ایران نیست، اما هر چه این جدایی بیشتر باشد، زمینه برای کلید زدن سطحی جدید از مناسبات راهبردی میان تهران و آنکارا تقویت خواهد شد.

دوم، ایران باید تلاش کند دست کم تا زمان باقی ماندن رجب طیب اردوغان در منصب ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۱ (۲۰۲۳م)^۱ از تنش‌های میان آنکارا با کشورهای عربی، به ویژه عربستان و امارات، نهایت بهره را ببرد. جمهوری اسلامی ایران، بر مبنای منطق نظریه مجموعه‌های امنیتی، در سطح روابط و سیاست خارجی منطقه‌ای که غالباً بر حوزه زیرمنطقه خلیج فارس اتکا دارد، توانسته است الگوهایی از دوستی و دشمنی را در رویکرد تقابلی خود، برای نیل به منافع نسبی‌اش در ده‌های اخیر به خصوص پس از ۱۳۸۱ (۲۰۰۳م) تا به امروز شکل دهد. بر اساس همین قاعده نیز ترکیه می‌تواند نقش دوستی را ایفا کند و در بحث تضاد با کشورهای عربی در نقش متحد ایران ظاهر شود. در این زمینه نزدیک کردن حوزه‌های علایق به یکدیگر از اهمیتی درخور توجه برخوردار است.

سوم، در میان مدت ضروری است در تعامل و نگاه ترکیه به محور مقاومت نوعی بازنگری اتفاق بیفتد. مسئولیت اصلی در این زمینه بر عهده ایران و نیروهای نیابتی‌اش در منطقه است. در حقیقت، اردوغان بارها در موضع‌گیری‌های خود نشان داده است نسبت به محور مقاومت و هلال شیعی موضعی مخالف دارد و ایران را به تلاش برای ایجاد امپرتوری شیعی-پارسی در منطقه متهم کرده است. در این سطح ضروری است راهبرد رسانه‌ای و فرهنگی مدونی برای تأثیرگذاری بر نگاه غالب نسبت به محور مقاومت در ترکیه ایجاد شود. همچنین ورود به گفت‌وگوی مستقیم پیرامون همکاری مشترک و محتمل با محور مقاومت امری منطقی به نظر می‌رسد.

راهکار و راهبرد کوتاه مدت: ۲-۵ سال آینده

در سطح کوتاه مدت، راهبرد مطلوب برای جمهوری اسلامی ایران را می‌توان بر اساس منطق «کاهش حوزه‌های تنش و افزایش تعامل‌ها» ارائه کرد. در مقطع کنونی، ایران و ترکیه در کانون‌های بحران منطقه، حداقلی از همکاری و اشتراک موضع را دارند. در حقیقت، آنکارا

۱. البته توجه به این مسئله ضروری است که در ۲۰۲۳ احتمال برد رجب طیب اردوغان وجود دارد و ایران باید برای ۵ سال دیگر با شخص اول سیاست ترکیه طی سال‌های بعد از ۲۰۰۲ تعامل داشته باشد.

رویکرد ایران در سوریه، عراق، یمن و حتی مسئله فلسطین را تهاجمی می‌داند. اخیراً آنکارا با حساسیت بیشتری ایران را به همکاری با پکک متهم می‌کند و حتی داعیه‌های خود در این زمینه را به عدم بازسازی و عدم ترمیم خط لوله انتقال گاز پارس جنوبی برای واردات گاز از ایران مرتبط کرده است.

ترکیه از ۱۲ فروردین ۱۳۹۹ به مدت چند ماه خط لوله منفجرشده پارس جنوبی را ترمیم نکرد. این درست در زمانی بود که آنکارا تهران را به حمایت از حزب کارگران کردستان متهم می‌کرد. علاوه بر این، در سطح بحران ادلب نیز مواضع مخالف ایران و ترکیه به حداکثر ممکن رسیده است. در چنین وضعیتی، به هیچ وجه امتیاز دادن به ترکیه یا حتی ورود به گفت‌وگوی فراگیر نه می‌تواند نتیجه مثبتی همراه داشته باشد و نه می‌تواند ترکیه را در مسیر کاهش تنش‌ها قرار دهد. بنابراین سیاست منطقی برای ایران در این مقطع ارتقای سطح روابط به صورت نرم و تدریجی است.

با این حال می‌توان از راهبرد دومرحله‌ای ارتقای سطح روابط به شکل فوری استفاده کرد: نخست، ارتقای کیفی، یعنی شروع همکاری‌ها از سطوح نرم برای رسیدن به سطوح سخت؛ دوم، ارتقای کمی؛ باید از موضوعات کوچک میان‌برد و کوتاه‌مدت مقطعی شروع کرد و به مسائل راهبردی رسید. (سعادت‌آذر، ۱۳۹۹: ۲۵) واقعیت این است که در مقطع کنونی، به هیچ وجه بحث همکاری راهبردی میان ترکیه و ایران مطرح نیست و آنچه دو طرف در تعامل با یکدیگر می‌توانند به آن توجه کنند، کاهش تنش‌ها و ایجاد زمینه‌های مشترک همکاری محدود است.

در این زمینه، وارد کردن ترکیه به بحران یمن، حمایت از ترکیه در بحران لیبی در مقابل کشورهای عربستان و امارات و حتی مدارای نسبی با ترکیه در بحران ادلب، راهبردهایی هستند که در کوتاه‌مدت ممکن است زمینه همکاری‌ها میان ترکیه و ایران را تقویت کنند.

راهکار تاکتیکی: ۱-۲ ساله

علاوه بر راهکارهای مطرح‌شده در سه سطح بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت که همگی نیازمند اتخاذ راهبردی کلان در سطح سیاست خارجی هستند، توجه به سناریوی تاکتیک یا مقطعی نیز ضروری به نظر می‌رسد. در سطح تاکتیکی، راهکار مطلوب ایران در برابر ترکیه، سیاست «حفظ وضع موجود و سیاست صبر و انتظار» است.

در شرایط کنونی یعنی در حالت حداقلی تا زمان مشخص شدن نتیجه انتخابات در ایالات متحده آمریکا در سوم نوامبر ۲۰۲۰ (۱۳ آبان ۱۳۹۹)، به هیچ وجه تغییر در رویکرد سیاست خارجی نسبت به ترکیه و کلیت فعالان دیگر منطقی به نظر نمی‌رسد. خواسته یا ناخواسته روی کار آمدن جو بایدن در کاخ سفید، بر مناسبات آتی میان ترکیه و ایران در ۱ تا ۲ سال آینده تأثیرات چیزی بر جای می‌گذارد.

با پیروزی جو بایدن و احتمال بازگشت آمریکا به برجام و مذاکرات با تهران، به طور حتم زمینه‌ها و فرصت‌های پیش رو برای همکاری و تعامل میان ایران و ترکیه بیش از پیش تقویت خواهد شد. اما نکته درخور توجه این است که ایران باید سیاست صبر و انتظار در برابر ترکیه را پیش بگیرد و در انتظار ارسال سیگنال مثبت آنکارا باقی بماند. پیش‌دستی و رغبت شدید ایران به افزایش سطح همکاری با ترکیه تأثیر سازنده‌ای نخواهد داشت؛ بنابراین منطقی است که برای گفت‌وگو و ورود به تعامل با ترکیه در سطح قدرت نرم، راهبرد انتظار یک ساله پیش گرفته شود.

منابع و مآخذ

منابع فارسی

- احمدی، حمید و فهیمه قربانی، «تأثیر بحران سوریه بر روابط ایران و ترکیه»، فصلنامه روابط خارجی، ش 23، 1393.
- افضل، رسول و افشین متقی، «تحلیل ژئوپلیتیکی رفتار کنشگران سیاسی در روابط ایران و ترکیه بعد از انقلاب اسلامی با رویکرد برساخت‌گرایانه»، پژوهشنامه متین، ش 50، 1390.
- بازدار، رحیم، «امکان‌سنجی افزایش همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای میان ایران و ترکیه»، صورتجلسه سه ماهه دوم 1399 کارگروه اوراسیا، 99/4/24.
- براتی، لیلا، وحید سنایی و سیداحمد فاطمی‌نژاد، «پیوستگی امنیتی و بحران‌گریزی در روابط ایران و ترکیه»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، س 5، ش 2، 1396.
- بیگدلی، علیرضا، «امکان‌سنجی افزایش همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای میان ایران و ترکیه»، صورتجلسه سه ماهه دوم 1399 کارگروه اوراسیا، 99/4/24.
- پسیان، نجفقلی و خسرو معتضد، رضاشاه از سوادکوه تا ژوهانسبورگ، تهران: نشر ثالث، 1377.
- ترک بیلماز، ضیا، «امکان‌سنجی افزایش همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای میان ایران و ترکیه»، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، مصاحبه، 99/4/31.
- دولت‌آبادی، فیروز، «امکان‌سنجی افزایش همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای میان ایران و ترکیه»، صورتجلسه سه ماهه دوم 1399 کارگروه اوراسیا، 99/4/24.
- راشد، عبدالرضا، «امکان‌سنجی افزایش همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای میان ایران و ترکیه»، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، مصاحبه، 99/4/31.
- سعادت‌آذر، علی، «امکان‌سنجی افزایش همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای میان ایران و ترکیه»، صورتجلسه سه ماهه دوم 1399 کارگروه اوراسیا، 99/4/24.
- قاسمی، محمدعلی، «تحلیل؛ روابط ایران و ترکیه پس از خروج آمریکا از سوریه»، فصلنامه دیدبان امنیت ملی، ش 82، 1397.
- مختاری، بهروز و حمیدرضا منتظری، «بررسی الگوهای تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س 13 و 14، ش 52 و 53، 1391.
- مدنی، جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، 1380.

سایت‌ها

- سایت تابناک، «ترکیه اموال رهبران انصارالله یمن را بلوکه کرد»، سایت تابناک، قابل دسترس در:
<https://www.tabnak.ir/fa/news/522763/>
- خبرگزاری آنا تولی، «طرابلس: ایران، شبه‌نظامی به لیبی اعزام کرده است»، 18 مارس 2020، قابل دسترس در:
<https://www.aa.com.tr/fa/1770718>
- خبرگزاری تابناک، «افشای نقش دامادهای ترامپ و اردوغان در بهبود روابط آمریکا و ترکیه»، 23 آبان 1398، قابل دسترس در:
<https://www.tabnak.ir/fa/news/937170>
- والی، کاظم، «ترکیه در لیبی به دنبال چیست؟»، بی‌بی‌سی فارسی، قابل دسترس در:
<https://www.bbc.com/persian/world-features-53799574>